

## آیا ثواب خواندن قرآن به اموات می‌رسد؟

ترجمه: مولوی حامد فیروزی

### بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الله! مگر خداوند قرآن را برای چه نازل کرده است؟

آیا آن را نازل کرده تا در پوشها و پارچه‌های مختلف و رنگارنگ بپیچند و روی سر کودکان و بیماران بگذارند؟ و آیا آن را نازل کرده که در قبرستانها بر مردگان تلاوت کنند؟؟؟ و شیخ نماها و عالم نماها آن را وسیله‌ای برای چاپیدن اموال مردم قرار دهند؟!!!

آیا آن را نازل کرده تا دجالان و مکاران آن را بر ظرفها بنویسند، که افراد ضعیف الایمان و مسحور از آن آب بنوشند؟!!!

آیا آن را نازل کرده که تبلان و بی‌کاران آن را بر راهها و بر دروازه‌های بارگاهها به ادعای نجات و ... بخوانند؟!!!

آیا آن را نازل کرده تا در پوسترها نوشته شود و برای زینت و برکت بر در و دیوارها و ... نصب و آویزان کنند که از چشم زخم در امان بمانند ... و به زنان بی‌حجاب و افراد بی‌بند و بار بسته و آویخته شود؟!!!  
آن را نازل کرده که حیلہ‌گران و شعبده‌بازان از آن تعویذ بنویسند و بر دروازه‌های مساجد و ... بایستند همانند دست‌فروشها فریاد بنفند: آیه الكرسی!! معوذات!! آیات منجیات!! ۵۰ تومان!!!

آیا آن را نازل کرده تا آواز خوانان آن را همانند شعر و ترانه با نغمه‌ها و موسیقی‌اش شنوندگان را بوجد آورند تا جایی که با داد و فریاد خواننده را چنان تشویق کنند که گویا در سالن اجرای کنسرت و مراکز تفریح و سرگرمی هستند؟!!!

آیا آن را نازل کرده که در اول برخی صفحات بنویسند: «خوب» و در برخی صفحات بنویسند: «بد» و آنگاه با چاپ و نشر آن، از آن به عنوان استخاره و فال‌گیری، استفاده کنند؟!!!

آیا آن را نازل کرده که شب و روز طوطی وار آن را بدون فهم و تدبر تلاوت کنند؟!!!

آیا آن را نازل کرده تا پس از آنکه مسلمانان در قرون اولیه با آن دنیا را فتح کردند، امروز ما آن را در

طاقچه‌ای بگذاریم غبار آلود شود؟!!!

و آیا آن را نازل کرده که فقط به خاطر نام و شهرت آن را حفظ کنند و بخاطر شرکت در مسابقات و کسب

رتبه فقط به زیبا خواندنش اهمیت بدهند و از عمل و اجرای احکام آن هیچ خبری نباشد؟!!!

پروردگارا! ما را بیامرز! که خوب می‌دانیم هرگز کتابت را برای اینها نازل نکردی!

بلکه قطعاً آن را نازل کردی که مردم در آیاتش تدبر کنند، و برایشان چراغی باشد که راهشان را روشن کند و

آن را نازل کردی تا برای دنیا مژده و هشدار باشد، آری! خداوند قرآن را برای زنده‌ها نازل کرده، نه مردگان! و

خداوند! خوب می‌دانیم که کتابت را فرستادی تا پیروان دینت قوانین و برنامه‌های زندگی‌شان را در خانه،

بازار، دانشگاه، دادگاهها و... از آن بگیرند.

پروردگارا! راه سعادت و نیک‌بختی که تو برای ما ترسیم کردی، گم کردیم لذا منحرف و سرگردان شدیم و

شرایط سرگردانی دیگران را فراهم کردیم و با گمراهی به حاشیه‌ی زندگی رانده شدیم و در اثر تخلف از

اهداف و برنامه‌های قرآنت به آتش هرج و مرج و سرگردانی گرفتار شدیم. و با کمال تأسف! مفاهیم و معانی

قرآن را به شیوه‌ای شگفت‌انگیزی تغییر داده‌اند که هرگز در امتی از امتهای پیشین با تمام ستمهایی که بر

کتابهای آسمانی روا داشتند، سابقه ندارد. و سراغ نداریم کسی از آنان کتاب خدا را کالایی برای مردگان قرار

داده باشند. ما با عمل خود میلیون‌ها انسان را که از ما پیمان گرفته شده برای بشارت و هدایتشان تلاش کنیم، به

کام نابودی و هلاکت کشانیم، آری ما نسبت به تمام اینها بی تفاوت بودیم تا اینکه با اختراع تسلیحات

مخرب جنگی به خطرات وحشتناکی برای ما، خودشان و بسیاری از مخلوقات خدا تبدیل شدند.

چهارده قرن پیش رسول الله ﷺ به ما مژده داده و فرموده: «ترکت فیکم ما إن تمسکتُم به لن تضلوا: کتاب الله و

سنه نبیه»<sup>۱</sup> (در میان شما دو چیز گذاشتم تا زمانی که به آن چنگ زنیید گمراه نمی‌شوید، و آن کتاب خدا و

سنت پیامبرش است).

آری آنگاه که گذشتگان ما حقیقتاً به آن چنگ زده و آن را برنامه‌ی زندگی و چراغ راهشان قرار دادند،

سروری و رهبری جهان را بدست گرفتند.

در این زمان نیز هستند کسانی که به کثرت قرآن می‌خوانند اما از حنجره‌هایشان پایین تر نمی‌رود. و حتی ما آن

را از سلف صالحمان بیشتر می‌خوانیم، اما بدون فهم، تدبر و عمل تا جایی که ممکن است گفته‌ی برخی از

سلف که گفته‌اند: «چه بسیارند تلاوت کنندگان قرآنی که قرآن آنان را لعنت می‌کند» درباره‌ی بسیاری از

<sup>۱</sup> این حدیث را حاکم با سند حسن روایت کرده است.

قاریان صدق کند، آیا وقت آن نرسیده که از خواب غفلت بیدار شویم؟؟؟ **آیا وقت آن نرسیده که علما و دعوت‌گران با این بدعتها و منکرات مبارزه کنند؟؟؟**

اگر شهامت مبارزه را ندارند چرا راه، را باز نمی‌گذارند که دیگر مصلحان این فرصت را داشته باشند و حداقل آنان را با لقبها و مارکهای مختلف به خروج از دین متهم نکنند!!!  
در این روزگار سختی که خطرها و مشکلات خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ما را احاطه کرده امیدواریم که بتوانیم از این خواب عمیق بیدار شویم و به کتاب خدا باز گردیم و با تلاوت آن به آیاتش همچون قانون اساسی و برنامه‌ی زندگی عمیقانه تدبر کنیم.

در صفحات این کتابچه بحثی بسیار مهم و خطیری را مطالعه می‌کنید که به یاری خداوند ادله‌ی صحیح موجب مسدود شدن دروازه‌ی دروغین دجالان و رسوایی حيله‌ی قاریان قبرستانها و مردگان و نابودی افتراها، دروغها و ادعاهای باطل خواهد شد، انشاءالله و به صراحت شرح داده شده که ادعای آنانی که می‌گویند: ثواب این قرآن خوانیها به مردگان می‌رسد، تا اموال مردم را به باطل بخورند و ارزش قرآن را از بین ببرند، دروغ و بی اساس است.

این مقدمه را با سخن یکی از متفکران تمام می‌کنیم، ایشان می‌گویند: «ای مسلمان همواره تو اسیر کسانی هستی که گمانهایشان را دین می‌پندارند و علم و دانش را احتکار می‌کنند، این امر موجب شده که تو از دین، فقه و علم قرآن محروم بمانی و تو با این کتاب که سرچشمه و منبع زندگی و قدرت توست هیچ رابطه‌ای نداری مگر زمانی که مرگت فرا رسد آنگاه یاسین را برایت می‌خوانند تا جان تو به آسانی گرفته شود، شگفتا! این قرآنی که نازل شده به تو زندگی و قدرت ببخشد، اکنون در احتضار مرگت می‌خوانند تا راحت بمیری!!! ای مسلمانان باید با رسمهایی که از قرآن و سنت صحیح ثبوتی ندارد و بنام اسلام و به باور عبادت انجام

می‌شود، مبارزه کنیم و تا نابودی آنها دست بردار نباشیم. و باید هر چیزی که منجر به شرک و استعانت از غیرالله می‌شود و انواع نذرها و قربانیها و واسطه طلبیهایی که گمراهی و شرک‌اند، مقابله‌ی جدی کنیم. خداوند

متعال می‌فرماید: **«و من اضل ممن يدعو من دون الله من لا يستجيب له الي يوم القيامة! و هم**

**عن دعائهم غافلون»:** (چه کسی گمراه‌تر از کسی است که افرادی را بفریاد بخواند و پرستش کند که تا روز قیامت پاسخش نمی‌گویند و اصلاً آنان از پرستشگران و بفریاد خواهنده گان غافل و بی خبرند). (احقاف/۵)

ومی‌فرماید: **«والذين تدعون من دونه ما يملكون من قطمير»** (و بجز او کسانی که بفریاد می‌خوانید

حتی مالکیت و حاکمیت پوسته‌ی خرمایی را ندارند). (فاطر/۱۳)

ما باید برای پاک و آراسته نمودن دین مان از اوهام و اساطیری که خرافاتیان و مبتدعان بر آن افزوده‌اند، تلاش کنیم تا حاکمیت کامل و خالص آن در تمام جوانب زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به تلاش مان ادامه دهیم.

واز علما، متفکران، دعوتگران و همه‌ی مسلمانان می‌خواهیم مشعل اصلاح و مبارزه را بدست گیرند و با احساس مسؤولیت برای اعلاى **كلمة الله** و سعادت بشر و نجاتشان از دست جباران و ستمگران تلاش کنند و در این راه از جان، مال و... دریغ نکنند.

محمود مهدی اسلامبولی

### آیا ثواب تلاوت قرآن به مردگان می‌رسد؟

س: آیا ثواب تلاوت قرآن به مردگان می‌رسد؟ و قرآن خواندن بر قبرستان‌ها برای مردگان تأثیری دارد؟ و آیا این عمل از قرآن و سنت صحیح ثبوتی دارد؟ و آیا پول گرفتن برای قرآن خواندن جایز است؟ و آیا جلسات قرآن خوانی که برای اموات می‌گیرند، درست است؟ و آیا در تعزیه باید سوره‌ی فاتحه و اخلاص و یا سوره‌ای از قرآن خوانده شود؟

در پاسخ سؤال‌های مذکور یکی از علمای مصر به نام محمد احمد عبدالسلام کتابچه‌ای به نام: **(حکم القراءه للاموات هل یصل ثوابها الیهم؟)** نوشته است و پاسخ این سؤال‌ها را از قرآن، سنت صحیح، دیدگاه مفسرین، محدثین، علمای اصول و فقهاء توضیح داده و محمود مهدی استامبولی احادیث آن را تخریج کرده و در پاورقی‌ها توضیحات بسیار مفیدی داده. و ما به دلیل اهمیت موضوع این رساله را ترجمه کردیم تا مورد استفاده‌ی همگان قرار گیرد.

پاسخ سؤالها را با روش زیارت پیامبر ﷺ از قبور شروع می‌شود.

### روش پیامبر اکرم ﷺ در زیارت قبور

ابوداود در سننش روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ پس از دفن میت می‌فرمود: **«استغفروا لاختیکم و سلوا له التثیبت فإنه الان یسأل»**<sup>۲</sup> (برای برادران طلب مغفرت کنید و از خداوند بخواهید که او را ثابت قدم بدارد؛ زیرا هم‌اکنون از او سؤال می‌شود). و پیامبر اکرم ﷺ پس از آن که میت را در لحد می‌گذاشت، می‌فرمود: **«بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله»**<sup>۳</sup>: (به نام خدا، برای خدا و بر ملت رسول الله).

<sup>۲</sup>. این حدیث حسن است.

<sup>۳</sup>. ابوداود و دیگران اسناد این حدیث را حسن است.

در این روایات و غیر اینها، نیامده که پیامبر ﷺ بر سر قبری سوره‌ای را خوانده باشد و حتی هیچ یک از اصحاب هم - مانند قاریان امروزی - بر سر قبر و یا در تعزیه‌ها قرآن نخوانده‌اند.

مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که: (پیامبر ﷺ قبر مادرش را زیارت کرد و گریست و اطرافیانش را هم به گریه انداخت و فرمود: «استاذنت ربی فی أن استغفر لها فلم یاذن لی، و استاذنته فی ان ازور قبرها فاذن لی، فزوروا القبور. فانها تذكّر الموت - وفی روایه - فان فیها عبره، فانها تزهد فی الدنیا و تذكّر الاخرة»): (از پرورگارم خواستم که برایم اجازه دهد برای مادرم طلب استغفار کنم به من اجازه نداد و از او خواستم که به من اجازه دهد قبرش را زیارت کنم، به من اجازه داد، لذا قبرها را زیارت کنید، چون شما را به یاد مرگ می‌اندازد.. و در روایتی دیگر آمده - به زیارت قبرها بروید- چون زیارت قبور موجب پند، عبرت و زهد در دنیا می‌شود و انسان را به یاد آخرت می‌اندازد).

بنابراین واضح است که پیامبر ﷺ هنگام زیارت قبور فقط براهل قبرستان سلام، دعای خیر و طلب استغفار می‌کرده و درس عبرت می‌گرفته و آنچه معقول است و روایات صحیح<sup>۴</sup> آن را تأیید می‌کند، همین است و بس. نه تلاوت قرآن! در قرآن و سنت صحیح هیچ دلیلی بر این که برای میت قرآن خوانده شود، وجود ندارد. پس از مرگ چه چیزهایی به انسان فایده می‌رساند؟

آنچه شریعت اسلام در قرآن و سنت صحیح رسول الله ﷺ مقرر کرده به میت نفع می‌رساند، رسول الله ﷺ در حدیث صحیحی می‌فرماید: «اذا مات الانسان انقطع عمله إلا بثلاث: صدقة جاریه، او علم یتتفع به، او ولد صالح یدعو له»<sup>۵</sup>: وقتی انسان می‌میرد، عملش قطع می‌شود. به جز سه چیز: (صدقه جاری، علمی که دیگران از آن استفاده ببرند و یا فرزند نیکوکاری که برایش دعای خیر کند). و آنچه در حدیث زیر آمده، پس از مرگ به انسان فایده می‌رساند، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إن مما یلحق المؤمن من عمله و حسناته بعد موته: علماً علمه و نشره و ولداً صالحاً ترکه و مصحفاً ورثه، او مسجداً بناه، او بیتاً لابن السبیل بناه او نهراً اجراه، او صدقه اخرجها من ماله فی صحته و حیاته تلحقه بعد موته»<sup>۶</sup>: (از آنچه از نیکی‌ها و عمل مؤمن پس از مرگش به او می‌رسد، این است: علمی که آن را آموزش و نشر داده است و فرزند صالحی که از خود به جای گذاشته و قرآنی که از او به ارث مانده یا مسجدی که بنا کرده یا منزلی که برای مجاهدان در راه خدا - یا مسافران - ساخته، یا جوی آبی که برای استفاده‌ی عموم راه‌اندازی کرده و یا صدقه‌ای که در زندگی در حال صحتش در راه خدا داده، همه‌ی این‌ها پس از مرگ هم به مؤمن می‌رسد).

<sup>۴</sup> . خلاصه روش پیامبر ﷺ در زیارت قبور این است که: بر اهل قبرستان سلام و دعای خیر کرده و عبرت می‌گرفتند و سوره‌ی فاتحه و یا هیچ سوره‌ی دیگری نمی‌خواندند.

<sup>۵</sup> . بخاری، مسلم، نسایی، بیهقی، طحاوی، ابوداود و احمد. صلاة الجنائز البانی

<sup>۶</sup> . ابن ماجه و ابن خزیمه، سند آن حسن است، ر.ك. مشکاة مصابیح محقق

زنده کردن سنت حسنه‌ای که مردم پس از مرگ انسان هم به آن عمل کنند، نیز برای انسان مفید و سودمند است، رسول الله ﷺ می‌فرماید: **«من سنّ فی الاسلام سنهً حسنهً فله اجرها و اجر من عمل بها من بعده من غیر آن ینقص من اجورهم شیءٌ»**<sup>۷</sup>: (هر کس در اسلام سنت حسنه‌ای زنده کند، پاداش آن و پاداش هر کس به آن عمل کند، بدون این که چیزی از پاداششان کم شود، به او داده می‌شود).  
 ثواب صدقه‌ای که از طرف میت داده می‌شود، به او می‌رسد.  
 بخاری روایت می‌کند: (مردی به رسول الله ﷺ گفت: مادرم وفات کرده اگر از طرف او صدقه بدهم ثوابش به او می‌رسد؟

فرمود: آری! در مسند و کتاب‌های سنن از سعد بن عباده روایت است که گفت: ای رسول خدا مادر سعد وفات کرده، چه صدقه‌ای برایش افضلتر است؟ فرمود: آب. لذا سعد چاه آب آشامیدنی حفر کرد و گفت: این چاه مال مادر سعد است؛ بنابراین دادن آب از صدقاتی است که فرزند می‌تواند با وقف کردن آن ثوابش را به رفتگانش ببخشد و به دلیل این حدیث ثواب آن به میت می‌رسد.  
 روایت است، مردی به پیامبر ﷺ گفت: پدرم وفات کرده و از او اموالی به جای مانده، وصیت هم نکرده، آیا کفایت می‌کند که من از طرف او صدقه بدهم؟ فرمودند: آری!<sup>۸</sup>

دعا و استغفار مؤمنان برای مردگان مفید و سودمند است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: **«والذین جاؤا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان»**: (کسانی که پس از آنان می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما و برادران ما که پیش از ما ایمان آورده‌اند، را بیامرزا!). «حشر/۱۰»

در سنن روایت است که، پیامبر ﷺ فرمود: **«اذا صلیتم علی المیت فأخلصوا له الدعاء»**<sup>۹</sup>: (وقتی بر میت نماز خواندید، خالصانه برایش دعا کنید). در مواردی که ذکر کردیم، زندگان می‌توانند به مردها سود برسانند، همان‌طور که مشاهده می‌کنید در این‌ها حتی یک دلیل هم وجود ندارد که از آن بوی جواز خواندن قرآن و یا سوره‌ای مخصوص مانند: (یس و غیره)، به مشام برسد، خواندن هزاربار سوره‌ی اخلاص و یا هزار بار «لا اله الا الله»<sup>۱۰</sup> گفتن به این باور که مردگان از عذاب آزاد می‌شوند، هیچ اصلی در شریعت ندارد.

<sup>۷</sup> . مسلم این حدیث را در در صحیحش روایت کرده است.

<sup>۸</sup> . مسلم .

<sup>۹</sup> . سند این روایت جید است. ر.ک به صحیح الجامع الصغیر و زیاداته .

<sup>۱۰</sup> . و 999 بار یالطیف، یالطیف گفتن، یکی دیگر از بدعت‌هایی است که بر سر قبرها خوانده می‌شود. شایان ذکر است که اسماء حسناي خداوند را به صورت مفرد خواندن مانند: الله، الله گفتن یکی دیگر از بدعت‌هایی است که هیچ اصلی در اسلام ندارد، لیکن در میان بسیاری از صوفی‌ها رواج دارد و ذکر صحیح همان است که در احادیث صحیح از پیامبر ﷺ روایت است؛ مانند: لا اله الا الله، سبحان الله. بجز ذکرهایی که در سنت صحیح آمده، هیچ ذکر دیگری ثواب ندارد. (محمود مهدی)

در ادامه بحث - ان شاء الله - اقوال مفسران قرآن، محدثین، علمای اصول و ائمه‌ی مذاهب معروف را ذکر می‌کنیم، تا به روشنی واضح گردد که آن چه بسیاری از مردم در عزاداری‌ها و بر سر قبرها انجام می‌دهند با سنت صحیح - رسول الله ﷺ سازگاری ندارد.

### اقوال مفسران قرآن

امام ابن کثیر:

ایشان در تفسیر آیات: «**أَمْ لَمْ يَنْبَأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ وَابْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ. أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ. وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ. ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ**»: (یا بدانچه در تورات موسی بوده است، مطلع و با خبرش نکرده‌اند؟ یا از آن چه در صحف ابراهیم بوده است، مطلع و با خبرش نکرده‌اند؟ ابراهیمی که به بهترین وجه ادا کرده است که هیچ کس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی‌کشد. و این که برای انسان پاداش و بهره‌ای نیست جز آن چه خود کرده و برای آن تلاش نموده است. و این که قطعاً نتیجه سعی و کوشش او دیده خواهد شد. سپس سزا و جزای کافی داده می‌شود). «نجم/۳۶-۴۱» می‌نویسد: هر کس با کفر ورزیدن یا ارتکاب گناه به خودش ستم کند، بار گناه آن را کسی جز خود آن فرد به دوش نمی‌کشد، همان طور که در جایی دیگر می‌فرماید: «**وَأَنْ تَدْعَ مَثْقَلَهُ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ**»: (و اگر انسان سنگین باری (گناه کاری) کسی را برای حمل گناهانش بفریاد خواند، چیزی از بار گناهانش برداشته نمی‌شود، هر چند از نزدیکان و بستگان باشد) «فاطر/۱۸»

«**وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ**»: (همان طور که کسی بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، به همین صورت به کسی پاداشی جز آن چه خود انجام داد، داده نخواهد شد.

ابن کثیر در ادامه می‌گوید: «امام شافعی و کسانی که از او پیروی کرده‌اند، با استنباط از همین آیات می‌گویند: ثواب تلاوت قرآن به مردگان نمی‌رسد؛ زیرا تلاوت قرآن توسط دیگران از عمل و کسب خود فرد نیست، به همین دلیل رسول الله ﷺ این کار را نکرده و انجام آن را برای امتش به عنوان مستحب یا سنت قرار نداده و آنان را بر خواندن قرآن برای مردگان چه به صورت صریح یا به صورت اشاره، تشویق و یا راهنمایی نکرده است و حتی یک روایت صحیح هم نیست که کسی از اصحاب پیامبر ﷺ بر مردگان قرآن خوانده باشد، اگر در خواندن قرآن برای مردگان فایده‌ای می‌رسید قطعاً آنان از ما سبقت و پیشی می‌گرفتند. و باید توجه داشته باشیم که ذکر و بیان ثواب و پاداش معین فقط با نصوص قرآن و سنت ثابت می‌شود، و نمی‌توان در آن با قیاس و آراء شخصی دخل و تصرف نمود. در اینکه ثواب دعا و صدقه به میت می‌رسد به دلیل نصوصی که در این باره ثابت است، علما اتفاق نظر دارند.»<sup>۱۱</sup>

<sup>۱۱</sup> . به شرط اینکه توسط یکی از خویشاوندان میت باشد. (محمود مهدی)

در توضیح حدیثی که مسلم روایت کرده که پیامبر فرموده: (هرگاه انسان بمیرد، عملش پایان می‌یابد، به جز در سه مورد: فرزند صالحی که برایش دعا کند یا صدقه‌ی جاریه‌ای که پس از او بماند، یا علمی که بعد از او دیگران از آن استفاده کنند<sup>۱۲</sup>).

ابن کثیر می‌گوید: در حقیقت این موارد از تلاش و زحمت خود فرد است؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ان اطیب ما اکل الرجل من کسبه و ان ولده من کسبه»<sup>۱۳</sup>: (قطعاً پاکیزه‌ترین چیزی که انسان می‌خورد همان است که از دست‌رنج خودش باشد و همانا فرزند او از دست‌رنج خودش است).

و نیز صدقه‌ی جاری مانند وقف و امثال آن از نشانه‌ها و آثار عمل خود فرد است. خداوند متعال می‌فرماید: «إنا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدموا و آثارهم» (ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن چه پیش فرستاده‌اند و اثر عمل نیکشان را می‌نویسیم)

و علمی که آنرا در میان مردم پخش کرده و نشر داده و مردم به او اقتدا کرده‌اند، نیز از عمل و تلاش خود فرد است، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من دعا الی هدی کان له من الاجر مثل اجور من تبعه من غیر ان ینقض من اجورهم شیئاً»<sup>۱۴</sup>: (هر کس به هدایت - قرآن و سنت صحیح - دعوت دهد، برایش همانند پاداش آنانی است که از او پیروی کرده‌اند داده می‌شود، بدون این که چیزی از پاداششان کاسته شود).

### تفسیر امام شوکانی

شوکانی در تفسیر آیه‌ی: «وَأَنْ لَّیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» می‌نویسد: معنای آیه این است که: بجز پاداش تلاش و عمل خودش - میت - به او داده نخواهد شد و عمل کسی برای کس دیگر فایده‌ای نمی‌رساند. این آیه عام است و با آیه‌ی: «الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (در بهشت - فرزندانشان را به ایشان ملحق می‌گردانیم) (طور/۲۱) و نیز با شفاعت پیامبران، ملائکه برای بندگان و دعای زندگان برای اموات و امثال اینها که برای انسان پس از مرگ مؤثر است، خاص می‌شود. و اینکه برخی گفته‌اند: آیه‌ی مذکور با موارد فوق منسوخ شده، صحیح نیست؛ زیرا خاص عام را منسوخ نمی‌کند بلکه آنرا تخصیص می‌دهد و هرچه طبق ادله‌ی قرآن و سنت صحیح به ثبوت رسیده که برای انسان پس از مرگش سودمند است، عام این آیه را خاص می‌کند.

### تفسیر المنار

<sup>۱۲</sup> . این حدیث را مسلم در صحیحش روایت کرده است.

<sup>۱۳</sup> . سند این حدیث صحیح است. (محمود مهدی)

<sup>۱۴</sup> . این حدیث را مسلم روایت کرده و ادامه‌اش چنین است: (هرکس به گمراهی دعوت دهد، گناه آن عمل و همانند گناه تمام کسانی که از او پیروی کنند، بدون اینکه از گناهانشان کم شود، به دوش وی خواهد بود).



مؤلف المنار در تفسیر آیه‌ی: «**وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى**»: (هیچ کسی جز برای خود کار نمی‌کند، و هیچ‌کسی گناه دیگری را بردوش نمی‌کشد). (انعام / ۱۶۴) پس از بحثی طولانی می‌نویسد: تمام قرآن خواندنها، اذکاری که ثواب آن را به مردگان می‌بخشند، اجاره کردن قاریان و وقف کردنها برایشان، همه بدعت و ناجایزند و نیز آنچه به نام ساقط کردن نمازهای میت می‌دهند، نیز بدعت است و اگر در دین اصلی می‌داشت قطعاً سلف صالح از آن بی‌خبر نمی‌بودند و یقیناً در عمل به آن کوتاهی نمی‌کردند.

در ادامه می‌نویسد: حدیث خواندن سوره‌ی «یس» بر مردگان صحیح نیست، هر چند منظور از آن حدیث کسانی است که در احتضار مرگ هستند. و همانطور که دارقطنی گفته در این باره هرگز حدیثی صحیح وجود نداشته و ندارد.

باید دانست در مورد آنچه از خواندن سوره‌ی فاتحه برای مردگان عام و رسم شده، حدیثی صحیح و یا ضعیف هم وجود ندارد و این از بدعت‌هایی است که با نصوص قطعی‌ای که ذکر کردیم مخالف است. اما با کمال تأسف! به دلیل سکوت و تأیید آنانی که لباس علما را به تن کرده و همگام با عموم مردم به آن عمل می‌کنند امروزه از سنت‌های مؤکده یا حتی فرایض قطعی به حساب می‌آید.

در ادامه می‌گوید: خلاصه‌ی سخن اینکه: این مسئله -قرآن خواندن بر مردگان- از امور تعبدی است که واجب است در آن به نصوص قرآن و سنت و عمل سلف صالح -خیر القرون- بسنده کنیم و از نصوص صریح قرآن و احادیث صحیح دانستیم که در قیامت به انسان هیچ پاداشی جز آنچه خودش انجام داده، و یا اعمالی که از نصوص شرعی ثابت است، نمی‌دهند؛ زیرا الله تعالی می‌فرماید: «**يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا**»: (روزی است که هیچ کس برای دیگری نمی‌تواند کاری کند). (انفطار/ ۱۹)

و می‌فرماید: «**وَإِخْشَاؤُكُمْ يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُجْرًا عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا**» (و از روزی بترسید که نه پدری مسئولیت اعمال فرزندش را قبول می‌کند و کاری برای او برآورده می‌کند، و نه فرزندی مسئولیت اعمال پدرش را می‌پذیرد). (لقمان/ ۳۳)

پیامبر ﷺ به دستور پروردگار به خانواده و خویشاوندانش اعلان نمود که: «**أَنْ أَعْمَلُوا لِأَعْنِي لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا**»: (به دستورات الله و رسول ﷺ عمل کنید که من نمی‌توانم برای شما در برابر الله کاری بکنم).

مدار و محور نجات در قیامت این است که انسان نفسش را با ایمان و عمل صالح تزکیه کند. رشید رضا می‌گوید از حافظ ابن حجر در مورد کسی که قرآن می‌خواند و می‌گوید: پروردگارا، ثواب این تلاوت را جهت افزون شدن شرف محمد ﷺ قرار بده، سوال کردند: در پاسخ گفت: این بدعتی است که قاریان متاخر از خودشان ساخته‌اند و من از سلف کسی را سراغ ندارم چنین کاری کرده باشد.

بسیاری از عالم‌نمایان که حتی معنای یک آیه از قرآن را هم نمی‌فهمند و بویژه معنای آیه‌ی: «**و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا**»: (هر چه پیامبر برای شما آورد بپذیرید و از هر چه شما را نهی کرد باز آیید) و حدیث صحیح: «**من عمل عملا ليس عليه أمرنا فهو رد**» (هر کسی عملی انجام دهد که مطابق دستور ما - دین اسلام - نباشد، مرود است). «مسلم» و اینکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «**وشر الامور محدثاتها وکل محدثة بدعة و کل بدعة ضلالة**» (بدترین امور، امور نوپیدا - در عبادت - هستند و هر نوپیدایی بدعت است و تمام بدعتها گمراهی‌اند) (مسلم) را نفهمیده و اینها کسانی هستند که قرآنی خوانی را وسیله‌ی ارتزاق و امرار معاش قرار داده‌اند و حسابشان با خدا است.<sup>۱۵</sup>

### دیدگاه پیشوایان حدیث

امام نووی در شرح صحیح مسلم، باب: «**وصول ثواب الصدقه عن الميت اليه**» در شرح حدیث عائشه (رضی الله عنها) که روایت کرده: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا مادرم ناگهان وفات کرد و وصیتی نکرده فکر می‌کنم اگر می‌توانست وصیت کند، به صدقه دادن سفارش می‌کرد، آیا اگر از طرف او صدقه بدهم، ثوابش به او می‌رسد؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری! می‌گوید: از این حدیث چنین بر می‌آید که صدقه دادن از طرف میت، برایش مفید است و علما بر این امر اجماع کرده‌اند، و بر این که ثواب دعا و دادن قرض میت به دلیل نصوص شرعی به میت می‌رسد، نیز اتفاق نظر دارند. و به دلیل احادیث صحیح حج کردن از طرف میت و روزه گرفتن از طرف او، جایز است، اما قول مشهور در مذهب ما - شافعیها - در مورد قرآن خواندن برای میت این است که ثواب آن به میت نمی‌رسد.

امام امیراسماعیل صنعانی در کتاب «سبل السلام» در شرح حدیث ابن عباس ﷺ گوید: پیامبر ﷺ از کنار قبور مدینه می‌گذشت که گفت: (سلام بر شما ای اهل قبور، خداوند ما و شما را مغفرت کند، شما گذشتگان ما هستید و ما هم در پی شما می‌آییم). ترمذی با سند صحیح می‌نویسد این حدیث دلیلی است بر اینکه وقتی انسان برای کسی دعا و استغفار می‌کند برای خودش دعا و برای آن شخص استغفار می‌کند، دعاهای قرآنی نیز به همین صورت است. به عنوان مثال:

خداوند می‌فرماید: «**ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان**»: (پروردگارا از ما و از برادرانمان که در دینداری از ما سبقت گرفته‌اند در گذر). (حشر/۱۰)

15. امام قرطبی در تفسیر آیه‌ی: «و أن لیس للانسان...» پس از ذکر روایتی که از قول ابن عباس مبنی بر نسخ این آیه نقل می‌کنند، می‌نویسد: اکثر مفسران قرآن گفته‌اند: این آیه محکم است (منسوخ نشده) و عمل هیچ کس نمی‌تواند برای کسی دیگر فایده‌ای داشته باشد و اجماع کرده‌اند که هیچ کس نمی‌تواند برای کسی دیگر نماز بخواند. و امام مالک روزه گرفتن، حج رفتن و صدقه دادن از طرف میت را جایز نمی‌داند اما می‌گوید: اگر میتی سفارش به حج کرد و مُرد، جایز است از طرف او به حج بروند... نگاه: احکام القرآن 114/17 «مترجم»

و می‌فرماید: «**فاستغفر لذنبك وللمؤمنين**»: (برای گناهانت و گناه مؤمنان طلب استغفار کن). «محمد/۱۹»  
 از این حدیث و آیات استنباط می‌شود که دعا کردن برای میت مفید است و در این اختلافاً نیست ولی در مواردی غیر از این، مانند تلاوت قرآن، امام شافعی می‌گوید: (ثواب آن به میت نمی‌رسد).  
 امام شوکانی در شرح منتقی می‌گوید: (قول مشهور در مذهب شافعی و گروهی از یارانش این است که ثواب خواندن قرآن به میت نمی‌رسد).

یکی دیگر از ادله‌ای که بر عدم وصول ثواب قرآن خوانی بر میت و عدم جواز قرآن خواندن بر قبرها دلالت دارد این است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «**اقرأوا سورة البقرة في بيوتكم و لاتجعلوها قبورا**»: (سوره‌ی بقره را در خانه‌هایتان تلاوت کنید و خانه‌هایتان را قبرستان نکنید).

و می‌فرماید: «**صلوا في بيوتكم و لاتتخذوها قبورا**»: (در خانه‌هایتان نماز - سنت را - بخوانید و آنها قبرستان قرار ندهید).

اگر قرآن خواندن برای میت نفعی می‌داشت خواندن آن بر قبرها جایز بود و پیامبر ﷺ که نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است نمی‌گفت خانه‌هایتان را به قبرها تبدیل نکنید بلکه در آنها قرآن و نماز بخوانید، پیامبر ﷺ این سخن را به این دلیل فرموده که قبرستان محل تلاوت قرآن و خواندن نماز نیست. به همین دلیل یک حدیث با سند صحیح، حسن و مقبول هم از پیامبر ﷺ روایت نشده که در تمام عمر مبارکش یک بار بر قبری قرآن خوانده باشد، این در حالی است که پیامبر ﷺ به کثرت به زیارت قبور می‌رفت و نحوه‌ی صحیح زیارت قبور را به اصحابش ﷺ می‌آموخت اما در عمل و گفتار و آموزشش هیچ سخنی یا بحثی از تلاوت قرآن بر قبرستان نداشته است.

## دیدگاه بعضی از مذاهب فقهی اهل سنت<sup>۱۶</sup>

۱- مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله:

ملا علی قاری حنفی در شرح (فقه الاکبر/۱۱۰) می‌گوید: (تلاوت قرآن بر سر قبرها در نزد امام ابوحنیفه، امام مالک و امام احمد مکروه است)، و در جای دیگر نقل می‌کند که خواندن قرآن بر سر قبرها مکروه است چون از امور نو پیدا و بدعت است و از سنت ثبوتی ندارد، و این سخن (شارح الاحیاء) نیز می‌باشد.

۲- مذهب امام شافعی رحمته الله:

امام شافعی با استدلال به آیه‌ی «**وأن ليس للإنسان الا ما سعى**» و حدیث: «**إذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث** ...» می‌گوید: (ثواب تلاوت قرآن به میت نمی‌رسد).

<sup>۱۶</sup> نا گفته نماند که هستند در میان فقهاء کسانی که با استناد به این که خواندن قرآن همانند دعاست قیاس می‌کنند که ثواب قرآن خواندن نیز به مردگان می‌رسد.

امام نووی در شرح حدیث فوق می‌نویسد: (این که انسان قرآن تلاوت کند، نماز بخواند و... و ثواب آن را به میت هدیه کند، امام شافعی و جمهور علما می‌گویند: ثواب آن به میت نمی‌رسد).

شایان ذکر است که نووی این قول را در چند جای شرح مسلم تکرار کرده است، و این دلالت بر تأکید نظریه‌اش دارد.

ابن نحوی شافعی در شرح منهاج می‌نویسد: (قول مشهور در مذهب ما این است که ثواب تلاوت قرآن به میت نمی‌رسد).

از عزبن عبدالسلام<sup>۱۷</sup> پرسیدند: آیا قرآنی که می‌خوانند و ثوابش را به میت هدیه می‌کنند به او می‌رسد؟ در پاسخ گفت: ثواب تلاوت قرآن مخصوص تلاوت کننده است و به کسی دیگر نمی‌رسد و گفت: شگفتا! که برخی از مردم رسیدن ثواب تلاوت قرآن را به میت به دلیل خواب‌هایی که دیده‌اند ثابت می‌دانند - باید توجه داشته باشیم که خواب‌ها از ادله‌ی شرعی نیست -

۳. مذهب امام مالک رحمته الله:

شیخ ابوجسره در کتاب «المدخل» می‌گوید: قطعاً خواندن قرآن بر سر قبرها بدعت است و به هیچ وجه سنت نیست.

شیخ در دیر در «الشرح الصغیر ۱/۱۸۰» می‌گوید: تلاوت قرآن در هنگام مرگ و پس از آن بر قبرها به دلیل عدم ثبوت آن از سلف مکروه است، فقط شایسته است بر ایشان دعا، طلب مغفرت و رحمت کنیم و از مرگ آنها پند و عبرت بگیریم. و علامه عدوی نیز در حاشیه‌اش بر شرح ابو الحسن همین را نوشته است.

۴- مذهب امام حنبل رحمته الله:

امام احمد به کسی که بر سر قبری قرآن می‌خواند گفت: بدان که خواندن قرآن بر قبر بدعت است.

این نظریه‌ی جمهور سلف است و متقدمین حنبلی بر همین عقیده بوده‌اند و نیز امام احمد گفته است خواندن قرآن برای میت پس از مرگش بدعت است و گفته است سلف (صحابه، تابعین و تابع تابعین) چنین عادت‌ی نداشتند که هر گاه نماز، روزه و یا حج مستحبی انجام دهند و یا قرآن بخوانند، ثوابش را به مردگان تقدیم کنند؛ لذا نباید از راه و روش سلف منحرف شویم.

ناگفته نماند که حدیث، بر مردگانتان (یس) بخوانید معلول و مضطرب الاسناد است و در سند آن جهالت وجود دارد و بر فرض صحت آن، قطعاً بر جواز خواندن قرآن برای مردگان دلالت ندارد؛ زیرا منظور از «موتاکم» این

<sup>۱۷</sup> قرطبی در التذکره می‌نویسد: قاضی امام مفتی انام عبدالعزیز بن عبدالسلام فتوا داده که ثواب قرائت قرآن به اموات نمی‌رسد و به آیه‌ی: «أن لیس للانسان...» استناد کرده است. نگاه: التذکره / 7 «مترجم»

است که آن را برای کسانی که در احتضار مرگ‌اند، بخوانید. و برای توضیح بیشتر در این باره می‌توان به شروح کتب معتبر حدیثی مراجعه کرد.

## دیدگاه علمای اصول

مؤلف کتاب: «طریق الوصول الی ابطال البدع بعلم الاصول» پس از ذکر قاعده‌ی اصولی: «الاصل فی العباده المنع إلا أن يستدل بدلیل فی تحلیلها» ارزشمند می‌گوید از این قاعده می‌فهمیم که آنچه بیشتر مردم انجام می‌دهند از بدعت‌های ناشایست است و ما به عنوان نمونه مثالهایی ذکر می‌کنیم.

مثال اول: تلاوت قرآن بر سر قبرها به قصد جلب رحمت برای میت و یا غیر آن، که پیامبر ﷺ و اصحابش ﷺ آن را انجام نداده‌اند، بر اساس قاعده‌ی مذکور حرام است و ترک تلاوت قرآن برای میت، سنت بوده و انجام آن بدعتی ناشایست است.

چگونه عقل می‌پذیرد که رسول الله ﷺ چیز سودمندی را که موجب رحمت برای امت است ترک کرده و در طول زندگی اش حتی یک مرتبه برای یک میت هم قرآن نخوانده است...؟!

مثال دوم: خواندن سوره‌ی اخلاص یا اسم جلاله (الله) به تعداد معینی، در اصل خواندن قرآن و شنیدن آن برای خواننده و شنونده ثواب دارد و موجب نزدیکی او به خدا می‌شود. در این موضوع هیچ کس بحث و نزاعی ندارد فقط در اینکه قرآن خواندن موجب نجات میت از آتش می‌گردد و برایش سودمند است، اختلاف است این در حالی است که همه می‌دانند قرآن برای مرده‌ها نازل نشده بلکه فقط برای زنده‌ها نازل شده تا به آن عمل

کنند و خداوند متعال در سوره‌ی یس می‌فرماید: «**إن هو إلا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان حیا و**

**یحق القول علی الکافرین**»: (این کتاب یادآوری و قرآن واضح و حجت است و هدف از فرو فرستادن

قرآن این است که افراد زنده با آن بیم داده شوند و بر کافران فرمان عذاب مسلم گردد). (یس/ ۷۱-۷۰)

قرآن نازل شده تا برای اطاعت کنندگان مژده و بشارت و برای سرکشان و نافرمانان بیم و هشدار باشد و نازل شده تا با آن قلبهایمان را پاک کنیم و امور زندگی مان را سروسامان بخشیم خداوند قرآن را نازل کرده تا

همچون دیگر کتابهای آسمانی علاقه‌مندان به آن عمل کنند، و به پیروی از قوانین و هشدارهایش زندگی کنند.

خداوند می‌فرماید: «**إن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم و یبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات أن لهم أجرا**

**کبیرا و أن الذین لا یؤمنون بالآخرة أعتدنا لهم عذابا ألیما**»: (این قرآن به راهی رهنمود می‌کند که مستقیم‌ترین

راههاست و به مؤمنانی که کارهای شایسته و پسندیده می‌کنند مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است

و برای کسانی که به قیامت ایمان نمی‌آورند عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم) (اسراء/ ۹-۱۰)

آیا تا بحال که یکی از کتابهای آسمانی بر مردگان خوانده شود؟ و یا در برابر خواندن آنها پاداش و صدقات

دریافت کنند؟؟؟

خداوند متعال خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «قل ما أسئلكم عليه من أجر وما أنا من المتكلفين، إن هو إلا ذكر للعالمين و لتعلمن نبأه بعد حين»: (بگو من از شما در مقابل تبلیغ قرآن و رساندن دین خدا هیچ پاداشی نمی‌طلبم و از زمره‌ی مدعیان نیستم، این قرآن چیزی جز پند و اندرز برای جهانیان نمی‌باشد و خبر آن را بعد از مدت زمانی خواهید دانست). (ص ۸۶۸۷)

آیا پیامبر ﷺ بر اصحابش که وفات می‌کردند عدد معینی از سوره‌ی اخلاص و یا اسم جلاله را می‌خوانده؟! تا آنان از عذاب آتش نجات یابند!! این در حالی است که می‌دانیم تمام کسانی که معصوم نیستند به بخشیده شدن گناهان و بالارفتن درجاتشان نیازمندند. یا سنت پیامبر ﷺ این بوده که هر یک از اصحابش را دفن می‌کرد و هر کس با عمل خودش به پیشگاه الله می‌رفت و چیزی جز آنچه پیش می‌فرستادند نداشتند؟ و پیامبر ﷺ بعد از خاک سپاری میت می‌فرمود: برایش دعا کنید. این سنت و راه و روش پیامبر ﷺ بوده است و خداوند متعال می‌فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر»: «سرمشق و الگوی زیبایی در پیامبر خدا برای شما است، برای کسانی که امید به خدا داشته و جویای قیامت باشند». (احزاب/۲۱)

لذا بر ما لازم است، همانطور که در انجام اعمال به رسول الله ﷺ اقتدا می‌کنیم در ترک افعال نادرست نیز به رسول الله ﷺ اقتدا کنیم و او را الگو بگیریم!

و آنچه از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده که وصیت کرده سوره‌ی فاتحه و آیات آخر سوره‌ی بقره را بر قبرش تلاوت کنند، اثر شاذی است، و سند آن صحیح نیست، و کسی از صحابه موافق چنین عملی نبوده است و نیز تلاوت سوره‌های فاتحه، اخلاص و معوذتین، تکاثر و بخشیدن ثواب آنها به اهل قبرستان بدلیل مخالفت با اقوال و عمل پیامبر ﷺ و صحابه، حرام و باطل است.

در مباحث گذشته با ادله از قرآن، سنت صحیح، اقوال مفسران قرآن، محدثان و علمای اصول توضیح دادیم که: خواندن قرآن برای مردگان هیچ ثبوتی ندارد. از آنجایی که خواندن قرآن برای اموات در جلسه‌های عزاداری و... در بسیاری از مناطق رسم است، این امر موجب شده که برخی به فتوای مذکور اعتراض کنند، لذا ما فتوای این قسمت را به پاسخ شبهات اختصاص دادیم.

شبهات عبارتند از:

۱) حدیث: «إذا مات الانسان انقطع عنه عمله إلا من ثلاثة اشياء إلا من صدقة جاریه او علم یتتفع به او ولد صالح یدعو له»: (آن گاه که انسان بمیرد، عملش تمام می‌شود - پرونده‌ی اعمالش بسته می‌شود

- بجز سه چیز: صدقه‌ی جاری، علمی که پس از او برای مردم نفع داشته باشد و یا فرزند صالحی که برایش دعا کند)<sup>۱۸</sup>

۲) حدیث: «**کل معروف صدقه**»: (هر کار نیکی صدقه است). (بخاری و مسلم)

۳) قاعده‌ی: «**الاصل فی الاشیاء الاباحه**»: (اصل در اشیاء مباح بودن است).

در مورد حدیث اول: باید بگوییم آنچه در این حدیث آمده سه چیز است که عبارتند از: «صدقه‌ی جاریه میت، علمی که از آن، پس از او به دیگران نفع برسد و دعای فرزند صالح». واضح است که: صدقه‌ی جاری و علم میت از سعی تلاش خود اوست، اما دعای فرزند صالح، از عائشه روایت است، پیامبر ﷺ فرمود: «**إن اطیب ما أكل الرجل کسبه و إن ولده من کسبه**»<sup>۱۹</sup>: (قطعا پاکترین و حلالترین چیزی که انسان می‌خورد حاصل تلاش خود اوست و فرزند او از کسب - حاصل تلاش - خود اوست). و پیامبر ﷺ خطاب به فردی که از پدرش در خصوص استفاده نمودن از مالش شکایت می‌کرد، فرمود: «**أنت مالک لایک**»: (تو بامالت از آن پدرت هستی). «ابن ماجه ۲۲۹۱» بنابراین دعای فرزند صالح از تلاش و سعی خود فرد است.

و حدیث دوم کاملاً واضح است که منظور از آن کارهای نیکی است که خود افراد برای خودشان انجام می‌دهند، و عموم شارحان حدیث گفته‌اند: منظور از معروفی که در این حدیث آمده کارهایی است که: هر فرد در طول زندگی اش انجام می‌دهد، بطور مثال می‌توان به شرح السنه‌ی بغوی، اکمال المعلم قاضی عیاض، شرح مسلم نووی و دیگر شروح معتبر رجوع نمود؛ بنابراین هر کار نیکی که انسان انجام می‌دهد برای خودش صدقه است، نه برای دیگران، اما قیاس رسیدن ثواب تلاوت قرآن به دعا قیاس باطلی است که بدلیل عبادت بودنش قطعاً نیاز به دلیل شرعی دارد؛ چون اصل در عبادات حرام بودن است.

در خصوص قاعده‌ی: «**الاصل فی الاشیاء الاباحه**» باید بگوییم که این قاعده همه چیز جز عبادات را در بر می‌گیرد، چون در عبادات اصل حرام بودن است، دکتر محمد سلیمان الاشقر در «**الواضح فی اصول الفقه**» می‌نویسد:

قاعده: «**الاصل فی العبادات التحريم والاصل فی غیرها الاباحه**»: (اصل در عبادتها حرام بودن است و اصل در غیر عبادات مباح بودن است). در ادامه توضیح می‌دهد که:

از آنجایی که عبادت الله باید به روش و کیفیت خاصی باشد که از جانب خداوند تعیین می‌شود، لذا برای هیچ کس جایز نیست، عملی به قصد عبادت الله، بدون دلیل شرعی انجام دهد؛ چون عبادت الله جایز نیست مگر به همان صورتی که خودش در شریعت قرار داده است. و هر کس ادعا می‌کند که مثلاً فلان عمل مانند عبادتی

<sup>۱۸</sup>. بخاری، مسلم، نسائی، بیهقی و طحاوی

<sup>۱۹</sup>. اسناد این حدیث صحیح است، ر.ک. ابن ماجه 2292، احمد/6678 و صحیح ابن حبان

دیگر مشروع است، به او گفته می‌شود: دلیلی بیاور که ثابت شود این عملی که می‌گویی، عبادت است. در چنین حالتی آن فرد نمی‌تواند بگوید: اگر این عمل ناجایز است دلیل عدم جواز آن را بیاور، یعنی: هر کس عبادتی را ثابت می‌داند باید دلیل بیاورد، چون اصل در عبادات منع و عدم جواز است و نفی کننده‌ی عبادت نیازی به دلیل ندارد، چون اصل با اوست و ادعای هر کس با اصل موافق باشد، بر او لازم نیست که دلیل دیگری بیاورد، لذا هر کس الله را با دلیل و روشی که الله در شریعت قرار نداده عبادت کند، یقین که در دین بدعتی آورده که از دین نیست. و تمام بدعت‌های در دین گمراهی‌اند.

البته در غیر عبادات، اصل بر مباح بودن است، نه تحریم چون خداوند متعال زمین و آنچه در آن است را برای مصلحت بنی آدم آفریده و همه را در اختیار و تسخیر آنان قرار داده و می‌فرماید: **«وَسَخَّر لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ»** (الجاثیه/ ۱۳): (و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، همه را مسخر شما کرده).

خداوند متعال اینها را آفریده تا از آنها استفاده کنیم و ما را در روی زمین خلیفه قرار داده و ما را بر آنچه در زمین است مسلط کرده، لذا شایسته است، استفاده‌ی از آنها برای ما مباح باشد، با توجه به این اصل عمومی، اگر ماده‌ی جدیدی که قابل خوردن باشد بیابیم، خوردنش برای ما مباح است و لازم نیست، تا زمان اطمینان از مباح بودنش منتظر بمانیم، و نیز طبق این اصل استفاده از وسایل سواری، آسایش، ابزار و... مباح است. و در معاملات نیز اصل بر مباح بودن است، لذا هر کس معامله‌ای که از طرف شریعت تحریم نشد را مباح بداند، نیازی به دلیل ندارد، اما هر کس معامله‌ای را تحریم کند که خداوند حرام نکرده مانند کسی است که حرام خدا را حلال کرده است، دلیل این قاعده فرموده‌ی خداوند است: **«قُلْ هَلْ مِّنْ شُهَدَاءَ كُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ»**: (بگو گواهان خود را بیاورید که گواهی می‌دهند بر این که خداوند این چیزها را حرام کرده است، در صورتی که گواهی دادند با آنان گواهی مده). الانعام/ ۱۵۰ در پایان لازم به یاد آوری است که برخی می‌گویند در فلان کتاب نوشته‌اند: «ثواب خواندن قرآن به اموات می‌رسد».

در پاسخ باید بگوییم که: نوشتن در یک، دو و حتی دهها کتاب نمی‌تواند دلیل شرعی باشد مگر زمانی که براساس دلیلی معتبر از قرآن، سنت، و... نوشته شده باشد و همانطور که در مباحث گذشته گفتیم هیچ دلیل صحیح و صریح در منابع معتبر وجود ندارد که ثابت شود قرآن خواندن برای مردگان سنت، مستحب، و یا حتی جایز باشد.